

درس نهم

فرجام کار

در درس گذشته خواندیم که در آستانه‌ی قیامت، چه حوادثی اتفاق می‌افتد و دادگاه عدل الهی چگونه تشکیل می‌شود. شاهدان و گواهان شهادت می‌دهند و نامه‌ی عمل انسان به او داده می‌شود.

در این درس می‌خواهیم با بهره‌مندی از قرآن کریم، سرانجام و سرنوشت انسان را تا جایگاه ابدی دنبال کنیم و دریابیم:

۱- زندگی نیکوکاران و گناهکاران در آخرت چگونه است؟

۲- چه رابطه‌ای میان اعمال ما و پاداش و جزای آخرت وجود دارد؟

آیات شریفه‌ی زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا

.....

إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا

.....

حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا

.....

فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا

.....

وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا

و نگهبانان جهنم به آنان گویند

أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ

آیا رسولانی از خودتان برایتان نیامدند

يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُم

که آیات پروردگارتان را بر شما می‌خواندند

و يُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا وَ شَمَارًا مِنْهُ لِيَعْلَمَ الْمُنَافِقُ حَقَّ يَوْمِهِ

و شمارا از دیدار این روزتان می‌ترساندند

قَالُوا بَلَىٰ

گفتند: چرا، (آمدند)

وَلَكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ

اما فرمان عذاب مسلم شده است

عَلَى الْكَافِرِينَ

بر کافران

زمر، ۷۱

قِيلَ ادْخُلُوا

.....

أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا

.....

..... فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ

زمر، ۷۲

..... وَ سِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ

..... إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا

..... حَتَّى إِذَا جَاءُوهَا

..... وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا

..... وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا

..... سَلَامٌ عَلَيْكُمْ

..... طِبَّتُمْ

..... فَأَدْخُلُوهَا خَالِدِينَ

زمر، ۷۳

و گویند ستایش خدای

الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ،

و زمین را به ما میراث داد

و که در بهشت جای گیریم

در هر جا که بخواهیم

پس چه نیک است پاداش عمل کنندگان

زمر، ۷۴

..... فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا

..... يَرَهُ

..... وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا

..... يَرَهُ

زلزال، ۷ و ۸



به کمک توضیحات زیر، ترجمه‌ی آیات را کامل کنید.

سَيَقُ: رانده می‌شوند	زُمرًا: گروه گروه	خَزَنَة: جمع خازن، نگهبانان
يُنْذِرُونَ: هشدار می‌دهند	يُسَّس: چه بد است	مَثْوًى: جایگاه
طَبْثُم: پاک شدید	يَرَهُ: آن را می‌بیند	مِثْقَال: اندازه، همسنگ



در آیات قبل بیندیشید و مراحل را که هریک از نیکوکاران و گناهکاران باید طی کنند، یادداشت نمایید.

شماره	نیکوکاران	گناهکاران
۱
۲
۳
۴
۵

۱- جایگاه گناه کاران

پس از پایان محاکمه، دوزخیان گروه گروه به سوی جهنم رانده می شوند. وقتی بدان جا می رسند، درهای جهنم باز می شود. جهنم هفت در دارد^۱ که راه های ورود گروه های مختلف جهنمی است. آن گاه کافران و مجرمان، هر دسته، در جایگاه مناسب خود افکنده می شوند؛ جایگاهی بسیار تنگ.^۲ آتش جهنم بسیار سخت و سوزاننده است. این آتش حاصل عمل خود انسان هاست و لذا از درون جان آن ها شعله می کشد.^۳ هر بار که آتش فرو می نشیند، شراره ای بر آن می افزاید و آن را شعله ورتر می کند.^۴ این آتش و عذاب از خود کافران و مجرمان و ستمکاران سرچشمه می گیرد. وقتی به جهنم افکنده می شوند به آن ها می گویند: شما و آنچه را می پرستیدید، هیزم دوزخ خواهید بود.^۵ مأموران عذاب، ملائکه ای هستند بسیار سخت گیر و شدیدالعمل و از انجام وظیفه ی خود سرپیچی نمی کنند.^۶

در این حال، ناله ی حسرت دوزخیان برمی خیزد و می گویند: ای کاش خدا را فرمان می بردیم و پیامبر او را اطاعت می کردیم،^۷ دریغ بر ما، به خاطر آن کوتاهی هایی که کردیم! آنان به خداوند می گویند: پروردگارا شقاوت بر ما چیره شد و ما مردمی گمراه بودیم، ما را از این جا بیرون بر که اگر به دنیا باز گردیم عمل صالح انجام می دهیم.

پاسخ قطعی خداوند این است که آیا در دنیا به اندازه ی کافی به شما عمر ندادیم تا هر کس می خواست به راه آید؟^۸ ما می دانیم اگر به دنیا بازگردید همان راه گذشته را پیش می گیرید.^۹ آنان گاهی دیگران را مقصر می شمارند و می گویند: بزرگان ما و شیطان سبب گمراهی ما شدند.^{۱۰} شیطان می گوید خدا به شما وعده ی راست داد و من به شما وعده ی دروغ دادم و من بر شما تسلطی نداشتم. من فقط شما را فراخواندم و شما نیز این دعوت را پذیرفتید. مرا ملامت نکنید، خود را ملامت کنید.^{۱۱}

به نگهبانان جهنم رو می آورند تا آن ها برایشان از خداوند تخفیفی بگیرند ولی فرشتگان می گویند: مگر پیامبران برای شما دلایل روشنی نیاوردند؟ آنان می گویند: بلی! فرشتگان نیز تقاضای آن ها را نمی پذیرند و درخواستشان را بی جا می دانند.^{۱۲}

۳- همزه، ۴ تا ۷

۶- تحریم، ۶

۹- انعام، ۲۸

۱۲- غافر، ۴۹ و ۵۰

۲- فرقان، ۱۳

۵- انبیاء، ۹۸ و جن، ۱۵

۸- فاطر، ۳۷

۱۱- ابراهیم، ۲۲

۱- حجر، ۴۴

۴- اسراء، ۹۷

۷- احزاب، ۶۶

۱۰- احزاب، ۶۷



با تفکر درباره‌ی خود ببینید چه زمینه‌هایی ممکن است شما را به‌سوی گناه بکشاند. آن‌ها را بیاپید و برنامه‌ای برای از بین بردن آن زمینه‌ها تنظیم کنید.

آن دسته از زمینه‌ها را که قابل طرح در کلاس هستند، با دیگران در میان گذارید و درباره‌ی آن‌ها گفت‌وگو کنید.

۲- جایگاه نیکوکاران

نیکوکاران و رستگاران را به‌سوی بهشت راهنمایی می‌کنند. بهشت آماده‌ی استقبال و پذیرایی از آن‌هاست و چون بهشتیان سررسند، درهای آن به‌روی خود گشوده می‌بینند. بهشت هشت در دارد که بهشتیان از آن درها وارد می‌شوند.^۱ یک در مخصوص پیامبران و صدیقان و یک در مخصوص شهیدان و درهای دیگر برای گروه‌های دیگر است.^۲ نگهبانان بهشت به آنان سلام می‌کنند و خوشامد می‌گویند و به آنان وعده می‌دهند که همیشه در این جایگاه نیکو، در امنیت و سلامت به سر خواهند برد.^۳ رستگاران، می‌گویند خدای را سپاس که به وعده‌ی خود وفا کرد و این جایگاه زیبا را به ما عطا کرد. هر جای آن که بخواهیم ساکن می‌شویم. هر یک از بهشتیان در درجه‌ای خاص از بهشت قرار می‌گیرند. رسول خدا(ص) فرموده است: **بالاترین درجه‌ی بهشت فردوس است و اگر چیزی از خدا می‌خواهید، فردوس را طلب کنید.**^۴

رنج و بدی به بهشتیان نمی‌رسد^۵ و هر چه دل‌هاشان تمنا کند و دیدگانشان را خوش آید، آماده می‌بینند.^۶ در بهشت هیچ آلودگی و ناپاکی وجود ندارد. کسی سخن لغو و گناه‌آلود نمی‌گوید. گفتارشان سلام و درود است.^۷ خدا را سپاس می‌گویند که حزن و اندوه را از آنان زدوده و از رنج و درماندگی

۱- امام باقر علیه‌السلام - به نقل از کنز العمال، ج ۱۴، ص ۴۵۱

۲- خصال شیخ صدوق، باب هشتاد، ص ۴۰۷

۳- زمر، ۷۳

۴- مجمع البیان طبرسی، ج ۳، ص ۴۹۸

۵- حجر، ۴۸

۶- زخرف، ۷۱

۷- واقعه، ۲۵ و ۲۶

دور کرده است.^۱ علاوه بر این، بالاترین مرتبه‌ی نعمت‌های بهشت لقاء و دیدار اوست که اولیای خدا در طلب آن هستند و به شوق آن زندگی می‌کنند.^۲

بهشتیان با خدا هم صحبت‌اند و به جمله‌ی «خدا یا! تو پاک و منزّهی» مترنم‌اند.^۳ بهشت برای آنان سرای سلامتی (دارالسلام) است،^۴ زیرا هیچ نقصانی، اندوهی، غصه‌ای، خوف و ترسی، عجزی، مرضی، جهلی، مرگ و هلاکتی، و خلاصه هیچ ناراحتی و رنجی در آن‌جا نیست. نعمت‌های دائمی آن هیچ‌گاه خستگی و سستی و ملالت نمی‌آورد. در آن‌جا انسان همیشه تازه و شاداب و سرحال است و همواره احساس طراوت و تازگی می‌کند. یکنواختی برای او معنایی ندارد. هر روز چیز تازه‌ای می‌خواهد و هرچه را هم درخواست کند آماده می‌یابد.

زنان و مردان بهشتی در زیباترین و جوان‌ترین صورت و قیافه در بهشت به‌سر می‌برند. ازدواج آنان سرشار از عشق، لذت و سرور است و این سرور هیچ‌گاه تبدیل به ناخوشی و دلزدگی نمی‌شود. همسران بهشتی خوش‌رفتار و زیبارو، جوان و شاداب، پاک و طاهر، شادکام و مسرور، خوش و خرم، بدون غصه و خشم و پیوسته عاشق و خرسند از همسر خود هستند.^۵ در بهشت، هم خداوند از انسان راضی است و هم وی از خدا رضایت دارد.^۶



🌀 بار دیگر خود را ارزیابی کنید، توانایی‌ها و استعدادهای درونی خود را برای حرکت سریع‌تر به‌سوی خوبی‌ها و نیل به بهشت جاویدان کشف نمایید. سپس برای استفاده‌ی بهتر از آن‌ها برنامه‌ریزی کنید. عهد و پیمان با خدا و جدی بودن در تصمیم را فراموش نکنید.

۱- فاطر، ۳۴ و ۳۵

۲- دعا‌های خمس عشره از امام سجاد (ع)

۳- یونس، ۱۰

۴- یونس، ۲۵

۵- واقعه، ۲۲ تا ۲۴ و ۳۵ تا ۳۷؛ الرحمن، ۷۰ تا ۷۷

۶- توبه، ۱۰۰

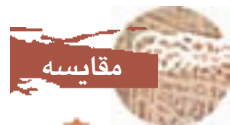
۷- برای اطلاع بیشتر از ویژگی‌های بهشت به جلد ۱۰ معادشناسی از علامه حسینی تهرانی و کتاب «معاد» استاد قراشتی مراجعه کنید.

رابطه‌ی میان عمل و پاداش و کیفر

از سؤال‌های قابل توجه این است که رابطه‌ی اعمال با جزا و پاداش اخروی چگونه است؟ برای رسیدن به پاسخ، لازم است انواع مختلف رابطه‌ی میان عمل و جزای آن را بررسی کنیم و در پایان ببینیم که آیات قرآن کریم ما را به کدام نوع راهنمایی می‌کند. رابطه‌ی میان عمل و جزای آن سه گونه است:

۱- گاهی پاداش و کیفر براساس مجموعه‌ای از قراردادها تعیین می‌شود؛ مانند این که اگر کارگر در طول روز، کار معینی را انجام دهد، دستمزد مشخصی به‌ازای آن کار دریافت می‌کند. همچنین اگر کسی مرتکب جرمی شود، مطابق با قوانین و مقررات به پرداخت جریمه‌ی نقدی یا زندان و نظایر آن محکوم می‌شود. رابطه‌ی میان آن کارها و این گونه پاداش‌ها و کیفرها یک رابطه‌ی قراردادی است و انسان‌ها می‌توانند با وضع قوانین جدید این رابطه‌ها را تغییر دهند؛ برای مثال، اگر کیفر جرمی زندان است، آن را به پرداخت جریمه‌ی نقدی تبدیل کنند. آنچه در این جا اهمیت دارد، تناسب میان جرم و کیفر است تا عدالت برقرار گردد.

۲- پاداش و کیفری که محصول طبیعی خود عمل است؛ مثلاً اگر کسی سیگار بکشد و بهداشت را رعایت نکند، به امراض گوناگونی مبتلا می‌شود. همچنین اگر کسی اهل مطالعه و تحقیق باشد، به‌طور طبیعی به‌علم و آگاهی دست می‌یابد یا اگر روزانه مقداری ورزش کند به سلامت و تندرستی خود کمک کرده است. این پاداش و کیفر محصول عمل است و انسان‌ها نمی‌توانند با وضع قوانین، آن را تغییر دهند بلکه باید خود را با آن تطبیق دهند و با آگاهی کامل از آن سود برند و سعادت زندگی خویش را تأمین کنند.



رابطه‌ی عمل و پاداش و کیفر را در هر یک از این دو قسمت مطالعه

کنید و تفاوت‌های دیگری که به‌نظرتان می‌رسد، یادداشت نمایید.

نوع اول	نوع دوم
.....
.....
.....

۳- نوع دیگری از رابطه‌ی میان عمل و پاداش و کیفر وجود دارد که عمیق‌تر و کامل‌تر از این دو است. همان‌طور که در بحث از نامه‌ی عمل دیدیم، آنچه انسان با خود به قیامت می‌برد، صورت حقیقی اعمالی است که اکنون در این دنیا برای ما قابل مشاهده نیست. هر عملی یک جنبه‌ی مادی و ظاهری و یک جنبه‌ی باطنی و غیبی دارد. جنبه‌ی مادی و ظاهری بعد از عمل از بین می‌رود، اما جنبه‌ی باطنی و غیبی هرگز از بین نمی‌رود و در نفس و روح باقی می‌ماند. در واقع، هر عملی که از ما سر می‌زند، دو نقش دارد؛ نقشی در جان ما دارد و نقشی در خارج. نقش خارجی از بین می‌رود ولی نقشی که در جان ما دارد، باقی می‌ماند و از بین رفتنی نیست. از این رو، قرآن کریم می‌فرماید: وقتی قیامت فرا می‌رسد، انسان اعمال خود را حاضر می‌یابد و می‌شناسد، گرچه به اندازه‌ی ذره‌ای باشد.^۱



در آیات ابتدای درس بیندیشید و ببینید کدام آیه برای نوع رابطه‌ی میان عمل و جزا دلالت دارد.

.....

بنابراین، در عرصه‌ی قیامت، تصویر اعمال انسان یا گزارشی از عمل انسان نمایش داده نمی‌شود بلکه خود عمل نمایان می‌شود و هر کس عین عمل خود را می‌بیند. رسول خدا (ص) در ضمن نصایحی که به یکی از یاران خود می‌کرد، فرمود:

برای تو ناچار هم‌نشینی خواهد بود که هرگز از تو جدا نمی‌گردد، با تو دفن می‌شود در حالی که تو مرده‌ای و او زنده است. این هم‌نشین تو اگر شریف باشد، تو را گرمی خواهد داشت و اگر شریف نباشد، تو را به دامان حوادث می‌سپارد. آن‌گاه آن هم‌نشین با تو محسوس می‌گردد و در رستخیز با تو برانگیخته می‌شود و تو مسئول آن هستی. پس دقت کن، هم‌نشینی که انتخاب می‌کنی نیک باشد؛ زیرا اگر او نیک باشد، مایه‌ی انس تو خواهد بود و در غیر این صورت، موجب وحشت تو می‌گردد. آن هم‌نشین، کردار توست.^۲

بنابراین، فرشتگانی که کارنامه‌ی عمل انسان را تنظیم می‌کنند، حقیقت اعمال را ثبت و

۱- کهف، ۴۹ و تکویر، ۱۴

۲- معانی الاخبار، ج ۱، ص ۲۳۳

نگهداری می نمایند؛ نه این که گزارشی بنویسند و آن گزارش را در قیامت نشان دهند. و همان طور که امام صادق (ع) فرمود، همین عمل در دوره ی برزخ به صورت یک شخص بر انسان ظاهر می شود و انسان بدان آگاه می گردد.

اگر شخصی عمر خود را براساس حق و حقیقت سپری کرده و به تحصیل فضایل و کمالات پرداخته است، همین کمالات و فضایل در آخرت برای او آشکار می گردند و در بهشت به صورت نعمت های گوناگون جلوه گر می شوند اما اگر زندگی خود را بر گناه، حق کشی و ستم بناکرده، همین زشتی ها در آخرت به صورت عذاب هایی گریبان او را خواهند گرفت. از این رو، قرآن کریم خطاب به کسانی که زر و سیم می اندوزند و در راه خدا اتفاق نمی کنند، می فرماید که روزی با همین سیم و زر ها بر پشت ها و پهلوهایشان داغ می زنند و به آن ها می گویند: بچشید آنچه را می اندوختید^۱. فردی نیز که در دنیا از اموال کودکان یتیم غذا تهیه کرده و خورده است، این غذا در آخرت در شکم او آتش می شود و او را می سوزاند.



بیشتر بدانیم

هشدار!

خدای متعال ما را از عذاب دوزخیان آگاه می کند و هشدار می دهد؛ خدایی که مهربان ترین است. همین هشدار هم از روی مهربانی است. عظمت عذاب های جهنم نشانی از عمق گناهان انسان است. درست است که عذاب های بزرگ، مربوط به گناهان بزرگ و انسان های جنایت پیشه است، اما توجه کنیم که اگر هریک از ما مراقب خود نباشیم، ممکن است روزی در دام شیطان گرفتار آییم. یک نگاه شهوت انگیز به نامحرم، یک دروغ و یک ناسزا به دوست، هر کدام تیری رها شده از کمان شیطان و دامی گسترده از جانب اوست که اگر ادامه یابد، فرصت تیراندازی و دام گستری بیش تری به او می دهد.

همین امروز در اطراف ما در نقاط مختلف دنیا فاجعه های بزرگی رخ می دهد که هر وجدان زنده ای را متأثر و جریحه دار می کند. برخی از انسان ها از حصار آرزوها و

۱- توبه، ۳۵؛ همچنین در آیه ۱۴ ذاریات می فرماید «ذوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ» و در آیه ی ۵۵

سوره ی عنکبوت می فرماید: «وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ».

تمایلات شخصی خارج شده‌اند و رنج و درد دیگران، آسایش و قرار را از آنان می‌گیرد. اینان انسان‌های دردمندی هستند که زندگی خود را وقف نجات دیگر انسان‌ها کرده‌اند و خود را شریک غم و شادی آنان می‌دانند. برخی دیگر نه تنها سرگرم کار خود بوده و در حصار خودخواهی محصور شده‌اند و درد و رنج دیگران به گوششان نمی‌رسد بلکه خود عامل این دردها و رنج‌ها هستند. برخی از دردها و رنج‌ها آن قدر عمیق است که درک و احساس آن برای کسانی که بدان مبتلا نشده‌اند، غیرممکن است. امروزه میلیون‌ها کودک در سراسر جهان در خیابان‌ها روز و شب خود را به سر می‌آورند، میلیون‌ها خانواده با فقر و گرسنگی دست به گریبان‌اند. امروزه میلیون‌ها نوجوان و جوان و بزرگسال با اعتیاد به مواد مخدر زندگی خود و خانواده‌ی خود را نابود کرده‌اند و افراد معدودی در کاخ‌ها و باغ‌های خود با ثروتی که از نابودی این خانواده‌ها کسب کرده‌اند، سرگرم خوش‌گذرانی و لذت‌اند. آیا تولیدکنندگان بمب‌های شیمیایی عاملان اصلی درد و رنج جانبازان شیمیایی کشور ما نیستند؟ آیا آنان می‌توانند درد و رنج سالیان دراز یک جانباز را و غم و اندوه همراه با عزّت و کرامت خانواده‌ی او را درک کنند و احساس نمایند؟

کاش اینان به هشدارهای پیامبران الهی و خیرخواهان جهان توجه می‌کردند. آیا اینان همان جهنمیانی نیستند که حسرت جرعه‌ای آب خنک بر دلشان خواهد ماند؟ آیا اینان لایق این عذاب‌ها نیستند؟

هیچ کدام از جنایتکاران، جانی متولد نشده‌اند. آنان مانند هر انسان دیگری فطرت پاک داشتند. به تدریج و قدم به قدم از گناهان کوچک به سمت گناهان بزرگ و بزرگ‌تر کشیده شده‌اند و کارشان بدان جا رسیده است که هر حقیقتی را انکار می‌کنند و هر عمل زشتی را مرتکب می‌شوند.

ای دریده پوستینِ یوسفان	گرگ برخیزی از این خواب گران
گشته گرگان یک‌به‌یک خواهی تو	می‌درانند از غضب اعضای تو
ز آنچه می‌بافی همه روزه بپوش	ز آنچه می‌کاری همه روزه بنوش ^۱

بشارت

همان‌طور که خداوند به گناهکاران هشدار می‌دهد، به نیکوکاران نیز بشارت یک زندگی زیبای ابدی را داده است. برآستی که زندگی محدود دنیا با آن زندگی جاودان قابل مقایسه نیست. این پاداش غیرقابل حساب، در مقابل چیست؟ جز برای عبادت خداوند، رعایت حقوق مردم، کمک به نیازمندان، مبارزه با ستمگران، راستگویی و کارهایی از این قبیل و دوری از گناهانی است که خداوند ما را از آن‌ها نهی کرده است؟ پس مژده به آنان که همت می‌کنند، فرمان خدای خود را می‌پذیرند و با درستکاری و عمل صالح زندگی دنیایی خود را به پایان می‌برند. ببینید که رسول خدا (ص) و پیشوایان گرامی ما چه بشارت‌های زیبایی به ما می‌دهند:

۱- رسول خدا (ص) فرمود: بهشت دری دارد به نام «باب مجاهدین» که انسان‌های مجاهد در راه خدا از آن در وارد بهشت می‌شوند در حالی که شمشیرهای خود را در نیام دارند وارد بهشت می‌شوند و فرشتگان به آنان خیرمقدم می‌گویند، درحالی که مؤمنان دیگر هنوز در محل حساب هستند.^۱

۲- روزی رسول خدا (ص) چهار خط روی زمین کشیدند و فرمودند: آیا می‌دانید این خط‌ها علامت چیست؟ یاران گفتند: خدا و رسول خدا بهتر می‌دانند.

رسول خدا (ص) فرمود: برترین زنان بهشت چهار نفرند: خدیجه، فاطمه، مریم و آسیه.^۲

۳- امام صادق (ع) فرمود:

بر شما باد تلاوت قرآن؛ زیرا درجات بهشت به تعداد آیات قرآن است. چون روز قیامت شود، به خواننده‌ی قرآن گویند: بخوان و بالا برو! و هر آیه‌ای را که بخواند، یک درجه بالا می‌رود.^۳

۴- رسول خدا (ص) فرمود: سخاوت درختی از درختان بهشت است که شاخه‌های آن در دنیا آویزان است. هر کس با سخاوت باشد، خود را به شاخه‌ای از

۱- امالی شیخ صدوق، ص ۳۴۴

۲- خصال شیخ صدوق، چاپ سنگی، ج ۱، ص ۹۶

۳- امالی شیخ طوسی، چاپ سنگی، ص ۳۰۲

شاخه‌هایش آویزان کرده است و آن شاخه‌ها او را به بهشت می‌کشاند.^۱

۵- رسول خدا (ص) می‌فرمود: هر وقت به بوی بهشت اشتیاق پیدا می‌کنم، بوی دخترم فاطمه را استشمام می‌کنم.^۲

این همان پدری است که به دختر گرامیش می‌فرمود: فاطمه جان، برای فردای قیامت خود کار بکن که در آن روز دختر رسول خدا بودن برایت سودمند نیست.

۶- رسول خدا (ص) در معراج خود از بهشت دیدن کرد و هشت در بهشت و نعمت‌های بهشتی را مشاهده کرد. ایشان این مشاهدات را برای مردم بیان کردند. از جمله فرمودند: بر بالای هر دری از بهشت جملاتی نوشته بود. بر بالای در اول این عبارات بود: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ.^۳

۷- امام علی (ع) می‌فرماید: اگر با چشم دل به آن چه از بهشت برایت بیان شده، نگاه کنی، روح تو از مخلوقات زیبای دنیا، از شهوات و لذت‌هایش، از زر و زیورهای دیدنی‌اش دوری خواهد کرد و افکار ت زده‌ی درختانی خواهد شد که شاخه‌هایش به هم پیوسته و ریشه‌هایش در دل تپه‌هایی از مشک فرو رفته است؛ درختانی که بر سواحل نهرهای بهشت قرار دارد. و اندیشه‌ات حیران خوشه‌هایی از لؤلؤهای تازه خواهد شد که به شاخه‌های این درخت آویزان است و سرگشته‌ی پدید آمدن میوه‌های مختلفی می‌شود که در حال بیرون آمدن از غلاف‌های خود است؛ میوه‌هایی که به آسانی و به دلخواه هر کس چیده می‌شود.

میزبانان بهشتی از میهمانان بهشت که در مقابل قصرهای خود فرود آمده‌اند، با غسل‌های خالص و پاک و شراب پاکیزه‌ای که مستی نمی‌آورد، پذیرایی می‌کنند. میهمانان بهشت، متقیانی هستند که خود را از گناه نگه داشته و در نتیجه از ناراحتی‌های انتقال به برزخ و آخرت در امان مانده‌اند.

ای انسان، اگر قلب خویش را متوجه زیبایی‌هایی کنی که در بهشت در انتظار توست، و پیوسته درباره‌ی آن‌ها بیندیشی، روح ت از شوق و اشتیاق به آن‌ها، به سوی بهشت پرواز خواهد کرد.^۴

۱- امالی شیخ طوسی، چاپ سنگی، ص ۳۰۲

۲- عبون اخبار الرضا، ص ۶۵

۳- بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۴۴ و ۱۴۵

۴- نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۶۵

گام سوم

تجدید عهد

خدایا! اکنون که آینده‌ی بزرگ و سرنوشت
جاوید من به زندگیم در دنیا گره خورده است،
بار دیگر با تو پیمان می‌بندم، آنچه را لازمه‌ی آن
سرنوشت جاوید است، آماده سازم و خود را مهیای
حضور در سرای دیگر کنم.
خدای من! فرمان‌هایت را می‌پذیرم و اطاعت
می‌کنم.

خدایا! مرا در اطاعت خودت یاری فرما!

- ۱- آیا در مجازات آخرت که مجازات از نوع سوم است، ظلم امکان پذیر و قابل تصور است؟ چرا؟
- ۲- چه تفاوت هایی میان ویژگی های آخرت با دنیا و برزخ وجود دارد؟ آن تفاوت ها را در جدولی مانند جدول زیر تنظیم کنید.

شماره	دنیا	برزخ	آخرت
۱
۲
۳
۴
۵

- ۳- رسول خدا (ص) فرمود: «الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ».
- یک کشاورز ماهر برای این که زراعت پر محصولی داشته باشد، پنج شرط را رعایت می کند:
- ۱- زمین مناسب انتخاب می کند.
 - ۲- بذر سالم تهیه می کند.
 - ۳- زمین را به موقع آبیاری و از کودهای مناسب استفاده می کند.
 - ۴- زمین را از خس و خاشاک و علف های هرز پاک می کند.
 - ۵- مواظب است که آفات و حیوانات به کشت او ضرر نرسانند.
- اگر «دل» بهترین و مناسب ترین زمین برای کشت محصول آخرت است، چهار شرط دیگر کدام اند؟

- ۱-
- ۲-
- ۳-
- ۴-



فقط یک بار به دنیا می‌آیی،
فقط یک بار خداوند زندگی را به تو هدیه می‌کند؛
اما، در سرائی دیگر همواره خواهی بود؛
اگر این فرصتِ یک‌باره را از دست دهی،
چه خواهی کرد؟

گرچه یک بار به دنیا می‌آیی
اما یادت باشد که هر صبح، تولدی دوباره است؛
تولدی از خود، با خود و به دست خود.
امام علی (ع) فرمود: «هرکس دو روزش مساوی باشد، باخته است.»
و تو با تولد همواره‌ی خود در دنیا، در صبح زیبای بهشت می‌سرایي که:
ستایش خدایی را که در وعده‌اش با ما صادق بود و زمین را به ما میراث داد تا در
بهشت، هر جا که خواهیم جای‌گزینیم. پس چه نیک است پاداش اهل عمل.^۱



مرحله دوم

پایداری در عزم



یادآوری

در سال گذشته دانستیم که مرحله‌ی دوم برنامه‌ی زندگی، تصمیم‌گیری است. پس از این که مقصد را شناختیم و به آن ایمان آوردیم، نوبت به تصمیم‌گیری و عزم می‌رسد. یعنی با خدای خود عهد و پیمان می‌بندیم که برای رسیدن به مقصد تلاش کنیم و به‌سوی آن حرکت نماییم. این عهد و پیمان، خود دارای سه مرحله است :

۱- عهدی کلی برای قدم گذاشتن در راه

۲- تجدید آن عهد به‌صورت روزانه

۳- تکمیل عهد، با برنامه‌ریزی‌های جدید

همچنین با برخی عوامل تقویت و دوام این تصمیم‌گیری آشنا شدیم، مانند :

۱- تسریع در انجام تصمیم

۲- توجه به‌حضور در پیشگاه خداوند و فرشتگان

۳- توجه به‌عاقبت و ثمرات پایداری در تصمیم

۴- داشتن دوست همفکر و همراه

۵- رعایت اصل اعتدال

۶- رعایت اصل تدریج و تداوم

نیز دانستیم که پس از عهد بستن با خدا دو کار دیگر را باید انجام دهیم :

۱- مراقبت از عهد

۲- محاسبه و ارزیابی از میزان موفقیت

اکنون می‌خواهیم بدانیم برای موفقیت در تصمیم‌گیری‌های خود چه کارهای

دیگری باید انجام دهیم.

اعتماد بر او

أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ.

آیا خدا برای بنده‌اش کافی نیست؟

زمر، ۳۶

اکنون که با آینده‌ی انسان در جهان آخرت آشنا شدیم و دانستیم که سرنوشت ابدی انسان‌ها براساس رفتار آنان در دنیا تعیین می‌شود، لازم است بار دیگر با خدای خود «تجدید عهد» کنیم و تصمیم بگیریم راه زندگی را محکم‌تر و مطمئن‌تر از گذشته، همان گونه که خدا از ما خواسته است، بپیماییم و عوامل تقویت‌کننده‌ی عزم را به یاد داشته باشیم و در هر برنامه‌ای به کار بندیم.

در این درس، با یکی دیگر از عوامل تقویت عزم آشنا می‌شویم.

آیات شریفه ی زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ (ای پیامبر) به (برکت) رحمت الهی

لِنتَ لَهُمْ در برابر آنان نرم و مهربان شدی

وَلَوْ كُنْتَ فَظًا اگر درشت‌خو بودی

غَلِظَ الْقَلْبُ سنگدل

لَا تَفْضُوا مِنْ حَوْلِكَ از اطرافت پراکنده می‌شوند

فَاعْفُ عَنْهُمْ

وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ

وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ

فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ

آل عمران، ۱۵۹

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ

وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ

وَكُفَى بِهِ

بِذُنُوبٍ عِبَادِهِ خَبِيرًا

.....

فرقان، ۵۸

وَلَيْنِ سَأَلْتَهُمْ

.....

مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

.....

لَيَقُولَنَّ اللَّهُ

.....

قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ

بگو چه می گویند

مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

درباره‌ی آنچه جز خدا می خوانید؟

إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ

اگر خدا خواهد که به من گزند رسد

هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ

آیا آنان دورکننده‌ی گزند او هستند؟

أَوْ أَرَادَنِيَ بِرَحْمَةٍ

یا اگر رحمتی برای من خواهد

هَلْ هُنَّ مُّسْكَاةٌ رَّحْمَتِهِ

آیا آنان بازدارنده‌ی رحمت او هستند؟

قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ

.....

عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ

.....

زمر، ۳۸



ترجمه

به کمک توضیحات زیر، ترجمه‌ی آیات را کامل کنید.

عَزَمْتُ: تصمیم گرفتی

فَاعَفُ: پس درگذر



با تفکر در آیات، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید و مشخص کنید که پاسخ‌ها را از کدام آیه به‌دست آورده‌اید.

شماره	سؤال و پاسخ	سوره / آیه
۱	چرا باید بر خدا توکل کرد؟ مگر خداوند دارای چه ویژگی‌هایی است؟
۲	چرا بر غیر خدا نمی‌توان توکل کرد؟
۳	برای رسیدن به تصمیم صحیح بهتر است چه کار کنیم؟

حقیقت توکل بر خدا

توکل بر خدا به معنای اعتماد به خداوند و سپردن نتیجه‌ی کارها به اوست. انسان متوکل خداوند را تکیه‌گاه مطمئن خود می‌یابد و در عین عمل به وظایف، امورش را به او واگذار می‌کند. او می‌داند که در صورت انجام وظیفه، هر نتیجه‌ای که به‌دست آید، به مصلحت اوست، گرچه خود بدان مصلحت آگاه نباشد. زیرا خدای حکیمی که جهان را تدبیر و اداره می‌کند از هر کس نسبت به ما مهربان‌تر است. تکیه و اعتماد بر خدا به انسان آرامش می‌دهد و به آینده امیدوار می‌کند.

حضرت علی (ع) در یکی از دعاهاى خویش می‌گوید :

خداوندا تو با آنان که به تو بیش‌تر عشق می‌ورزند، بیش از دیگران انس می‌گیری و برای اصلاح کار آنان که بر تو توکل می‌کنند از خودشان آماده‌تری، اسرار ایشان را می‌دانی و بر اندیشه‌هایشان آگاهی و بر میزان بینش آنان دانایی.

در ادامه می‌گوید :

رازهایشان نزد تو آشکار و دل‌هایشان در حسرت دیدار تو داغدار. اگر تنهایی، آنان را به

وحشت اندازد، یاد تو آنان را آرام سازد و اگر مصیبت‌ها بر آنان فرو بارد، به تو پناه آورند و روی به درگاه تو دارند، چون می‌دانند سر رشته‌ی کارها به دست توست.^۱

تصمیم و توکل

نوجوانی و جوانی دوران تصمیم‌های بزرگ است. هرچه عمر می‌گذرد و قوای انسان به سستی می‌گراید، توان انسان برای تصمیم‌های بزرگ نیز کاهش می‌یابد. جوان و نوجوان معمولاً آزاد از تمنیات و وابستگی‌هاست. شجاعت روحی بالایی دارد و دست و پای وجودش چندان به رشته‌های دنیایی بسته نشده است؛ مانند برخی از بزرگسالان نیست که به ثروت یا مقام دل بسته یا در حسادت نسبت به دیگری بسوزد یا در فکر تجملات زندگی باشد. او می‌تواند آرمان‌های بزرگ داشته باشد، آرمان‌هایی که از نوع پروازند، از نوع رفتن و صعود کردن، نه از نوع ماندن و در باتلاق زندگی دنیایی فرورفتن.

از این رو، در این دوره نیاز شدیدتری به توکل و اعتماد بر خداوند حس می‌شود.



۱- حضرت ابراهیم (ع) و حضرت علی (ع) در دوره‌ی نوجوانی و جوانی خود تصمیم‌های بزرگی گرفتند و برای آن تصمیم‌ها بر خدا توکل کردند و استقامت ورزیدند، آن تصمیم‌ها را ذکر کنید.

.....
.....

۲- آیا نمونه‌های دیگری از تصمیم‌های بزرگ سراغ دارید که نیازمند توکل بر خداوند و پایداری و استقامت در راه آن باشد؟

.....
.....

۱- نهج البلاغه (فیض الاسلام)، خطبه ۲۱۸

دو نکته‌ی مهم

۱- توکل کردن فقط به معنای گفتن جمله‌ی «خدایا، بر تو توکل می‌کنم» نیست. بلکه انسان باید در قلب خود بر خدا توکل کند و واقعاً او را تکیه‌گاه خود ببیند. اگر این گونه باشیم، خداوند کارهای ما را به بهترین وجه چاره خواهد کرد و آن چیزی را که حقیقتاً به نفع ماست پیش خواهد آورد. خداوند آینده‌هایی را می‌بیند که ما نمی‌بینیم و به مصلحت‌هایی توجه دارد که ما درک نمی‌کنیم. گاهی چیزهایی را به نفع خود می‌پنداریم در حالی که به ضرر ماست، یا اموری را به ضرر خود می‌دانیم در حالی که به نفع ماست^۱. بنابراین شایسته است که با اخلاص بر خدا اعتماد کنیم و بدانیم که هیچ قدرتی در جهان مانع چاره‌سازی خدا نیست.

امام صادق (ع) فرمود: خداوند به داود (ع) وحی کرد هر بنده‌ای از بندگانم به جای پناه بردن به دیگری با نیت خالص به من پناه آورد، از کارش چاره‌جویی می‌کنم، گرچه همه‌ی آسمان‌ها و زمین و هر چه در آن‌هاست، علیه او برخیزند.^۲

۲- توکل در جایی درست است که انسان مسئولیت و وظیفه‌ی خود را به‌خوبی انجام دهد، یعنی فکر و اندیشه‌ی خود را به کار گیرد، با دیگران مشورت کند، بهترین راه ممکن را انتخاب نماید و با عزم و اراده‌ی محکم برای رسیدن به مقصود تلاش کند. در این صورت است که می‌توان بر خدا توکل کرد. زیرا توکل، جانشین تبلی و ندانم کاری افراد نیست بلکه کمک کننده و امیددهنده به کسی است که اهل همت، تعقل و پشتکار است.

روزی، پیامبر اکرم (ص) به مردمی برخورد که اهل کار و فعالیت نبودند. به آنان فرمود:

شما چگونه مردمی هستید؟

گفتند: ما توکل کنندگان بر خدا هستیم.

فرمود: نه، بلکه شما سربرابر دیگران هستید.^۳

گر توکل می‌کنی در کار کن کشت کن پس تکیه بر جبار کن^۴

توکل کننده‌ای که اهل معرفت باشد، می‌داند که انسان باید در راستای راهیابی به نیازها و خواسته‌هایش، از ابزار و اسباب بهره جوید. زیرا این ابزار و اسباب بنابر حکمت الهی قرار داده شده و بی‌توجهی به آن‌ها، بی‌توجهی به حکمت و علم الهی است.

۲- کافی، ج ۳، ص ۱۰۶

۴- مثنوی مولوی

۱- بقره، ۲۱۶

۳- مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۱۷

گام چهارم

توکل هنگام تصمیم

بارخدايا! همان‌طور که تو فرمان داده‌ای، تلاش می‌کنم با مراجعه به کتاب آسمانیت قرآن و نگاه به زندگی پیشوایانم بهترین تصمیم‌ها را بگیرم و با تمام توان، راه سرافرازی را بییمایم.

اَمَّا مِنْ اِنْسَانٍ وَّ تَوَانِيهِ اَيُّهَا مِنْ تَوْسِتِ.

پس ای خدای مهربان! به قدرت بی‌پایان تو تکیه می‌کنم و بر تو «توکل» می‌نمایم.

- ۱- با توجه به آیات، روایات و توضیحات درس، آثار و فواید توکل را ذکر کنید.
- ۲- چه رابطه‌ای میان «عزم» و «توکل» وجود دارد؟
- ۳- آیا توکل، سبب تنبلی می‌شود یا تحرّک؟ چرا؟ از آیه‌ی ۱۵۹ آل عمران کمک بگیرید.
- ۴- شرایط توکل حقیقی کدام‌اند؟

- ۱- مولوی در دفتر اول مثنوی در «قصه‌ی نخبجیران و بیان توکل و ترک جهد» رابطه‌ی توکل و تلاش را به‌خوبی به تصویر می‌کشد و در ضمن آن می‌گوید:
گفت پیغمبر به آواز بلند با توکل زانوی اشتر ببند
این داستان را مطالعه کنید و آن را به صورت نمایش‌نامه بنویسید و در کلاس به اجرا درآورید.
- ۲- آیا می‌دانید شیطان بر چه کسانی مسلط نمی‌شود؟ آیه‌ی ۹۹ سوره‌ی نحل را مطالعه کنید و جواب را بنویسید.

